

شورا؛ محرک اطلاع رسانی

■ مریم قرآنی

شورای اطلاع رسانی استان، نهادی است که به منظور هماهنگی، برنامه ریزی و سیاست گذاری در حوزه اطلاع رسانی در سطح استان تشکیل می شود. این شورا به عنوان یک بازوی مشورتی برای استاندار و سایر مسئولین استانی عمل کرده و تلاش می کند تا با ایجاد هم افزایی بین دستگاه های مختلف، جریان صحیح و به موقع اطلاعات را در جامعه برقرار سازد. ایجاد هماهنگی بین دستگاه های دولتی، رسانه ها و سایر نهادهای مرتبط با اطلاع رسانی در استان از وظایف اصلی این شورا است. همچنین تدوین برنامه های جامع اطلاع رسانی استانی با توجه به اولویت ها و نیازهای منطقه و تعیین سیاست های کلی اطلاع رسانی در سطح استان و نظارت بر اجرای آن ها نیز بر عهده شورای اطلاع رسانی استان است. برنامه ریزی و هماهنگی در زمینه اطلاع رسانی در شرایط بحرانی و حوادث غیرمترقبه و تلاش برای افزایش آگاهی و سواد رسانه ای شهروندان به منظور مقابله با اخبار جعلی و اطلاعات نادرست از جمله مسئولیت های شورا است. اعضای شورای اطلاع رسانی باید با ایجاد و تقویت ارتباط مؤثر با رسانه های محلی و ملی موجب انعکاس صحیح و به موقع رویدادهای استان شوند. از آن گذشته، نظارت بر عملکرد دستگاه ها و رسانه ها در حوزه اطلاع رسانی و ارزیابی اثربخشی برنامه ها و فعالیت های انجام شده هم از وظایف آن هاست. اما آنچه به نظر نگارنده موجب بی تأثیری یا کم تأثیری حضور و تشکیل این شورا است، نه عدم تخصیص منابع کافی و کمبود بودجه و اعتبار، که عدم ارزیابی دقیق و مستمر عملکرد شورا و شناسایی نقاط ضعف و قوت از سوی ریاست این شورا است. این عدم نظارت مانع از بهبود و ارتقاء کارایی آن شده است. ریاست شورای اطلاع رسانی در استان ها بر عهده معاون سیاسی امنیتی استانداری هاست و به نظر می رسد با وجود مشغله بسیار و وظیفه مندی متعدد این معاونت، انتظار برای پیگیری و نظارت مستمر این شورا بی جاست.

ادامه در صفحه ۲

گزارش یک عکس
«یادداشت»



۲

دوم خرداد در یک نگاه
«یادداشت»



۲

خاطرات علی اصغر غفاری از جنگ های کردستان:
کردستان، همه جا خط مقدم بود



۳



ملخ مراکشی تهدیدی ۱۰۰ ساله
برای کشاورزی گلستان

« ۸ »



میزبانی گرگان
با کدام امکانات؟

« ۸ »



آخرین اثر میرکازمی
در بساط کتابفروشی ها

« ۸ »

فرهنگ در گلستان موج می زند



اگر تغییر کاربری خاک های درجه یک و دو
طبق مصوبه مجلس ممنوع است، باید برای دیگر استان ها
هم ممنوع باشد

ندارد. محدودیت های گلستان برای مازندران و گیلان وجود ندارد. اگر تغییر کاربری خاک های درجه یک و دو طبق مصوبه مجلس ممنوع است، باید برای دیگر استان ها هم ممنوع باشد. در این همایش هم چنین قائم مقام و معاون وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، عنوان کرد: ثبت جهانی

به گفته مدیر قبلی میراث فرهنگی ۵۰۰ سرمایه گذار در ۳ سال گذشته قصد سرمایه گذاری در حوزه گردشگری را داشتند. در حالی که تنها یک برگ سبز صادر شد. طهماسبی افزود: این گره های کور که از گذشته های دور برای گلستان ایجاد شده است، در دیگر استان های شمالی کشور وجود

مهران مودنی: استاندار گلستان در همایش ظرفیت های ثبت جهانی دیوار گرگان ظرفیت های دیوار گرگان در جذب گردشگر را زیر ذره بین برد و گفت: امروزه هر گردشگر می تواند موجب ایجاد ۳ شغل شود. این در حالی است که در اقتصاد می گویند با کم تر از ۲ میلیارد تومان ایجاد شغل انجام نخواهد شد. در نظر بگیرید که استفاده از ظرفیت های دیوار بزرگ گرگان در چنین شرایطی گردشگران زیادی را به استان خواهد آورد. وی با تأکید بر استفاده از سرمایه گذاران بخش خصوصی در حوزه میراث فرهنگی اظهار داشت: در هر شهرستانی از استان گلستان، تمدن و میراث فرهنگی موج می زند. از این رو باید بیش از این ها از این نعمت های الهی استفاده شود. دولت به تنهایی از پس بازسازی اماکن تاریخی بر نمی آید و ما باید سرمایه گذاران را وارد این عرصه کنیم. استاندار گلستان با انتقاد از موانع بر سر راه سرمایه گذاران عنوان کرد: یکی از ظرفیت های استان گلستان بوم گردی است. اگرچه که استان گلستان جزو استان های سرسبز شمالی کشور است، اما به ندرت در آن بوم گردی وجود دارد.

ادامه یادداشت اول

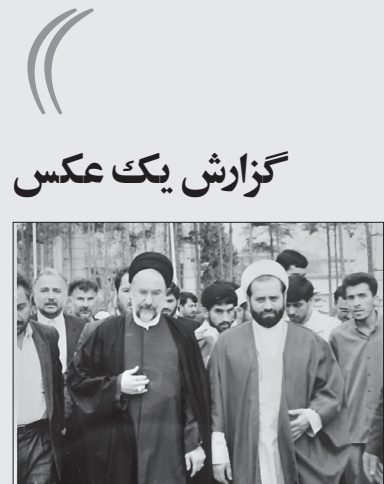
شورا؛ محرک اطلاع رسانی

ریاست شورا نیازمند صرف وقت و انرژی کافی برای پیگیری مصوبات، نظارت بر عملکرد و هماهنگی بین اعضا است. پیشنهاد می شود با تفویض بخشی از اختیارات اجرایی ریاست شورا به دبیر شورا یا یکی از اعضای فعال و متخصص و تشکیل جلسات منظم و مستمر با حضور اعضا و پیگیری جدی مصوبات و استفاده از ابزارهای مدیریتی نوین، فرآیند نظارت و پیگیری تسهیل گردد. گذشته از این ها، عدم بهره گیری از ظرفیت های رسانه ای، نخبگان و فعالان حوزه اطلاع رسانی در استان اثربخشی این شورا را کاهش داده است. برای بهبود عملکرد شورای اطلاع رسانی استان گلستان انتظار می رود برنامه های عملیاتی و قابل اجرا با اهداف مشخص و قابل اندازه گیری برای این شورا تدوین شود. همچنین لازم است تا اطلاعات مربوط به فعالیت ها و مصوبات شورا به منظور افزایش آگاهی عمومی و پاسخگویی منتشر و در اختیار عموم قرار گیرد (تلاش نگارنده برای یافتن تعداد جلسات شورای اطلاع رسانی استان از ابتدای استقرار دولت چهاردهم تاکنون بی نتیجه ماند، به گونه ای که به نظر می رسد جلسه ای با این موضوع هنوز تشکیل نشده است). گلشن مهر پیگیری و رصد عملکرد شورای اطلاع رسانی استان گلستان را به منظور ارتقاء سطح اطلاع رسانی در استان دنبال می کند و امیدوار است عملکرد این شورا به صورت شفاف در اختیار عموم قرار گیرد.

مدیر مسئول

ادامه تیتراول

با اینکه دیوار چین پس از دیوار گرگان احداث شده، اما مورد مرمت قرار گرفته و با استفاده های گردشگری، موجب گردش مالی میلیاردها دلار در سال می شود. دارایی درباره پرونده های ثبت جهانی موجود در وزارت میراث فرهنگی اظهار داشت: در حال حاضر به ثبت جهانی ۲۸ پرونده در حوزه میراث ملموس و طبیعی مشغولیم که در ۱۰۷ سایت جهانی قرار دارند. یعنی در یونسکو به ۵۷ کاروان سراسری که ما در ۲۴ استان به ثبت جهانی رساندیم، تنها یک پرونده اختصاص داده شد. همچنین در حوزه ثبت میراث ناملموس در



احسان مکتبی - عکاس این تصویر یکی از کارمندان اداره کل منابع طبیعی به نام آقای ملک احمدی است (اگر نام ایشان را اشتباه نکرده باشم) و مربوط است به اردیبهشت

۴ سال اخیر از رتبه ۷ دنیا به رتبه ۴ صعود کردیم. وی در نهایت گفت: برنامه پنج ساله ای برای وزارت میراث فرهنگی تدوین شده است. با رونمایی از این سند، تکلیف برنامه های ۳۱ استان کشور برای استفاده از ظرفیت های میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مشخص خواهد شد. همچنین در ایران ۸۰۰ موزه داریم که سهم گلستان از آن ۱۵ موزه است. البته این عدد باید تا پایان برنامه توسعه هفتم به هزار برسد. فریدون فعالی، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان از صدور سندی برای بخش هایی از حریم دیوار گرگان خبر داد و گفت: به تازگی برای ۱۶۰ هکتار از حریم دیوار بزرگ گرگان با همت دادستان و فرماندار محترم سندی برای اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان صادر شد که در نوع خودش قدم بزرگی است. وی با معرفی گردشگری پایدار به عنوان نیاز استان گلستان عنوان کرد: ۲۲ میلیون زائری

۱۳۷۶ که جناب خاتمی نامزد انتخابات بود و البته هنوز موج انتخابات برنخاسته بود. مراسم ایشان در تالار دوست نقره استاد مطهری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان انجام شد و آقای خاتمی با اتوبوس به دانشگاه آمدند. عکس دقیق روبروی تالار است و جایی است پشت روابط عمومی آن زمان و نقطه آغاز برآمدگی پارکینگ اکنون دانشگاه است. دقیقاً در همین لحظه به یکباره آقای خاتمی سر برگرداند و با حجه الاسلام میر بهبهانی که کمی عقب تر بود احوالپرسی کرد و بلند گفت حظوری آقای میر بهبهانی و ما تعجب کردیم که آقای خاتمی از کجا ایشان را می شناسد و بعد آقای میر بهبهانی گفت من با آقای خاتمی در مشهد هم مدرسه بودیم. آن روزها هنوز شعار درود بر سه سید فاطمی / خمینی و خامنه ای، خاتمی فراگیر نشده بود و هنوز همه آقای ناطق را رئیس جمهور می دانستند. آقای قندهاری بعد برای ما گفت که آقای خاتمی در اتوبوس به ایشان گفته است، احتمالاً با آقای ناطق به مرحله دوم می رویم، آن شب یا یکی از همان شبها در دفتر آقای قندهاری جلسه داشتیم و شیخ نگران وضعیت انتخابات بود از این جهت که در همان حال پیگیر استان شدن گرگان و دشت بود و یکسر

که سالانه از شمال کشور به مشهد مقدس سفر می کنند، از گلستان می گذرند. شاخصه هایی مانند تنوع محصولات، خدمات استاندارد و محیط توانمند موجب رونق گردشگری پایدار در استان می شود. فعالی درباره نقش ثبت جهانی دیوار گرگان در گسترش گردشگری پایدار استان گفت: تکمیل پروژه ثبت جهانی دیوار بزرگ گرگان و احیای دوباره بخشی از دیوار و قلعه ها، سامان دهی، مرمت و احیای قلعه روس ها و تکمیل زیرساخت های جزیره آشوراده، سامان دهی و مرمت برج قابوس گنبد در راستای تأمین زیرساخت ها و مرمت بافت تاریخی استرآباد از جمله اقداماتی است که به ایجاد گردشگری پایدار در استان ختم خواهد شد. گفتنی است در پایان این مراسم که با حضور مقامات کشوری، استانی و شهرستانی همراه بود، از برخی فعالین حوزه میراث فرهنگی استان در حوزه های اجرایی، قضایی و اصحاب رسانه تجلیل شد.

ماجرای آقای ناطق نوری رئیس مجلس بود و نگران بود که چه اتفاقی ممکن است بر سر تعیین تکلیف استان شدن منطقه بیفتد. در عکس تعدادی را می توان شناسایی کرد: قربان طاشی فعال سیاسی، مجید طاهری شهردار اکنون گرگان، احمد سالاری معاون اکنون شهردار، محمد مشکور فعال سیاسی، غلامرضا رستمی فر فعال سیاسی و سیواش افضلی دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه که مراسم به میزبانی آنها نیز برگزار می شد، قابل شناسایی هستند. البته عکس افقی گرفته شده است و در عکس افقی (که من ندارم) محمد حسین علی اصغری هم حاضر است. البته عکس های دیگری هم حاج آقای مکتبی گرفت که بعد به موزه تاریخی دانشگاه تحویل داده شد و سپس با گردش آسمان سیاست احتمالاً آن عکس ها یا معدوم و یا اینک در گوشه ای خاک می خورند. یاد دوم خرداد و آن حماسه با شکوه و یاد بزرگ مرد توسعه گلستان حجه الاسلام قندهاری و همه نیک اندیشان و خیر اندیشان این سرزمین آریایی به نیکی، عمر و عزت جناب خاتمی پایدار

صاحب امتیاز

تجربه کردند. آنان در این سال ها از رئیس جمهور پاک دست و خوشنام خود، به جز احترام و تعظیم به ملت، اهتمام به باز نگه داشتن فضای سیاسی و شنیده شدن صداهای گوناگون جامعه، تکریم دانش، دانشگاه و دانشمند، اثری از بی اعتنایی به مردم و دور خوردن اراده ملت ندیدند. ۶- در عرصه سیاست خارجی عزت جامعه و مصلحت مردم به اولویت واقعی تبدیل شد. حکمت بر تصمیم های سیاست خارجی حاکم گشت و خود را در قالب تنش زدایی با منطقه و جهان شرق و غرب نمایان ساخت. اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی به تعامل برخاست. سرمایه ها و سرمایه گذاران خارجی افزایش یافتند و نشاط اقتصادی در جای جای ایران بالیدن گرفت. عسלוویه در جنوب به شهر بزرگ سرمایه گذاری در بخش گاز تبدیل شد و نیرویی دو چندان، ماشین اقتصادی ایران را به حرکت درآورد. ۷- امید، نشاط، عزت، حکمت، مصلحت، صلح و دوستی، ایمان و معنویت، افتخار به اسلامیت و ایرانییت، جان تازه گرفتن هویت ملی، و بسیاری از فضایل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی، پیوست های ناگسستنی وضعیتی بود که از دوم خرداد شروع شد و تا سالها شیرینی زندگی در سایه حکمرانی خرمندانانه را بر پا نگه داشت. درس بزرگ از دوم خرداد این است که تنها راه حل بحران های امروز و فردای ایران، برگشت صادقانه و همه جانبه حکومت به سوی ملت و جامعه خواهد بود و نه هیچ چیز دیگر. تنها حکومت مشروع، مورد رضایت خلایق، ماندگار، بالنده و خود افزاینده، حکومت مدنی است که از متن جامعه برخیزد و خود را هرگز تافته جدا بافته نماند و از آقا بالا سر بودن دست بکشد.

خواسته بود. بی تردید "استبداد ایرانی" همواره در شکل های گوناگونی چون استبداد سنتی، شبه مدرن یا شبه مدرن نفتی، سرنوشت این جامعه کهن را در دستان تک اراده حکومت گران وانهاده و مردمان را همچون نامحرمان، از شریک شدن در قدرت ناکام گذاشته بود. ۴- جامعه ایران از زمان فروپاشی اقتدار قدیم و قرار گرفتن آن در حاشیه نظام جهانی شکل گرفته در عصر جدید، به یک آگاهی تاریخی پاگذاشته بود. آگاهی از شجره خبیثه استبداد و میوه تلخ آن، یعنی انحطاط همه جانبه، مردم ایران را وارد یک مبارزه بی امان با استبداد تاریخی کرد. نتیجه یک سده مبارزه پیوسته، در نهایت، انقلابی به غایت سیاسی را به پیروزی رساند. در هسته مرکزی شعارهای اصلی چنین انقلابی، آزادی سیاسی قرار گرفته بود. از فردای پیروزی انقلاب، جنگ و خرابی، و بعد از آن ضرورت فوری اولویت قرار گرفتن ساختن ویرانی های جنگ و ترمیم زندگی اقتصادی حیاقلی، پرداختن به آزادی سیاسی را به تاخیر انداخت. تا روزی که دوم خرداد از راه رسید و لحظه باز شدن کلاف اهداف اساسی انقلاب و پیروزی آن در میدان عمل آغاز گشت؛ چرا که اصلی ترین برنامه دولت اصلاحات بر اولویت توسعه سیاسی با رو آوردن به قانون گرایی، جامعه مدنی، آزادی سیاسی و اموری از این دست، قرار گرفت. ۵- در چنین شرایطی بود که در سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ جایگاه ایران در داخل و خارج از هر جهت، ارتقا یافت. رضایت عموم از حکومت فزونی گرفت. مردم روزگار وفور نعمت های مادی را همراه با سلامت اقتصادی، پاک دستی حاکمان، ارزانی کالاها و ثبات قیمت ها در سطحی گسترده

روزهای پرشکوه خرداد نزدیک است؛ دوم خرداد، اما، از همه نزدیک تر. پاس داشتن این روز، پاسداری از ماه عسل یک انقلاب پرتلاطم است. با توضیحی که در پی خواهد آمد می توان عصر هشت ساله اصلاحات را، جوانترین دوره انقلاب اسلامی در نظر گرفت. ۱- در آن روز به یاد ماندنی در حالی انتخاباتی پرشکوه رقم خورد که آگاهی یک ملت در مسیری تکاملی به اوج رسیده بود و در واقع، میوه آگاهی انباشتی، دوم خرداد ببار نشست. در آن انتخابات هر کاندیدایی، نه تکرار دیگری، که نماینده گونه ای منحصر به فرد از فکر و علاقه خاص در فضای سیاسی بود. درون چنین زمینه مناسبی برای انتخاب بهترین، اکثریت بزرگ جامعه، به گزینشی تاریخی دست زدند و پر به سوی مردی گشودند که پندار و گفتار و کردارش نمایش گر خرمندانانه ترین گفتمان سیاسی زمانه بود. ۲- در این روز مردی از دودمان سیادت، خرمندنی و پاکی، در افق سیاسی ظاهر گشت. او سواد اعظم ملت را، که از مردمان رنگارنگ این سرزمین تشکیل می شدند، در میدان جاذبه خود گرد هم آورد. با آمدن دولت مرد اندیشمند، جناب آقای خاتمی عزیز، "ید الله مع الجماعه" رخ نمود؛ چرا که نه تنها آرامشی در داخل حکمفرما گشت و فاصله مردم و حکومت به کسوف رفت، تنش زدایی در عرصه سیاست خارجی جایگاه ایران را در نظام بین الملل بسی ارتقا بخشید. ۳- در دوم خرداد مردم به توسعه سیاسی رای مثبت دادند و با شناختی عمیق از دردهای درهم تنیده و چندلایه مزمن در این مرزوبوم، این بار، انگشت روی دردی گذاشتند که همچون علت العلل، دردهای دیگر از آن ناحیه بر



محمود شفیعی



لبنان که به اسارت صهیونیست ها بعد هم به شهادت رسید. که افتخار این را داشتم بعنوان ی سرباز و بسیجی در خدمت این دوعزیز شهید بودم. روحشان شاد و یادشان گرامی باد. این رزمنده دفاع مقدس می گوید: در کردستان رزمندگان جایگاهی بنام نقطه امن و عقبه نظامی، بنابر تعاریف رایج نظامی برایشان وجود نداشت. حتی در داخل پادگانها و شهر، همه جای کردستان خط مقدم بود. رزمندگان علاوه بر جنگ فیزیکی با دشمنان خارجی و داخلی خصوصا گروهک های ضد انقلاب کومله و دمکرات با سخت ترین شرایط جوی و جغرافیایی نیز دسته وینچه نرم کردند. رزمندگانی که سه ماه و یا حتی ۵ ماه بدنشان رنگ آب به خود نمی دید. علی اصغر غفاری درباره جنگ در فصل های مختلف در کردستان ادامه می دهد: واقعیت رزم در کردستان با شرایط جغرافیایی به دو قسمت شش ماه اول و شش ماه دوم زندگی در شرایط سخت بود. در کردستان باید با دشمن ضد انقلاب گروهک کومله و دمکرات مثل خودشان می جنگیدیم. در جنگها پارتیزانی و نامنظم چریکی ای جمله بکار میرود (بادشمن آنگونه جنگ که با تو می جنگد) در شش ماه دوم از آبان ماه برف و یخبندان شروع می شد. محورهای معروف و صعب العبور محورهای دزلی، جانوران؛ سروآباد و انجیراب و رسالت، اکثر قله ها دارای جاده نبود و طبعاً رزمنده جهت رفت و برگشت تا محور حداقل بین ۵ تا ۱۰ کیلومتر باید در مناطق کوهستانی و صعب العبور و از نظر نظامی شدیداً آلوده باید طی می کردند. تنها راه مواصلاتی همان جاده های مال رو بود. منطقه تعداد زیادی قاطر را توسط افراد بومی در اختیار داشت که تدارکات از طریق همین قاطرها و افراد انجام می شد. وی درباره دوران اعزامشان به مناطق جنگی می گوید: دومین گروهی بودیم که از محمدآباد عازم جبهه شدیم به اتفاق حاج عیسی اترچالی، شهید رضا اترچالی، شهید نصرت اله مازندرانی، مرحوم یحیی سعادتی و رمضانعلی حمزه ای و حسین ناصری و شهید جعفر شهابی از نومل بعد از آموزش یک ماه اعزام به جبهه در چالوس عازم مریوان شدیم. نحوه تدارکات در کردستان هم برای خوانندگان جالب است. غفاری می گوید: در تابستان و مطلوب بودن هوا سعی می شد حداکثر تدارکات به پایگاه و قله ها فرستاده شود و در سنگرهای تدارکات و مهمات دپو شود. تقریباً شش ماهه دوم هیچ گونه تدارکاتی به نیروها نمی رسید و اگر امری ضروری اتفاق می افتاد داستان خودش را داشت. یا با هیلبورد یا مجبور بودن در آن شرایط سخت خودشان انجام بلند. در زمستان: سنگرها بعضاً چندین متر زیر برف قرار داشت و ارسال تدارکات در این شرایط غیر ممکن بود. حتی بسیجی که برای مرخصی می خواست برود توی مسیر یخ میزد و به شهادت می رسید.



خاطرات علی اصغر غفاری از جنگ های کردستان:

کردستان، همه جا خط مقدم بود



محمد جواد مکتبی

سوم خرداد یادآور فتح خرمشهر است، رشادت و تلاش های رزمندگانی که در اوج سختی ها توانستند با جانفشانی از خاک وطن دفاع کنند. علی اصغر غفاری یکی از مردان جامانده از دوران این جانفشانی هاست، او که بیش از پنجاه ماه از عمرش را در جبهه های جنگ گذرانده است خاطرات خود را از جبهه های کردستان برای ما گفت. غفاری می گوید: می خواهم از خاطرات و مظلومیت شهدا و رزمندگان در کردستان صحبتی داشته باشم. افتخار این را داشتم که بملت سه سال در کردستان بعنوان یک بسیجی و پاسدار خدمت کنم و بملت ۲۶ ماه هم در منطقه جنوب کشور بعنوان بسیجی در عملیات های مختلف حضور داشتم. غفاری ادامه می دهد: کردستان ۲۲۷ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق در طول جنگ تحمیلی به صورت مستقیم در جنگ داشت. کردستان مهد رشادت های رزمندگان اسلام در جنگ تحمیلی بود، کردستان سرزمین مجاهدت های خاموش است، کردستان همیشه مظلوم بود، هنوز غربت غریبی بر رزمندگان دفاع مقدس در کردستان لمس و احساس می شود. یک نمونه از مظلومیت آنان عدم یادآوری از آنان می باشد. به عنوان مثال: شهید ابوعمار فرمانده شجاع سپاه مریوان که از سابقون انقلاب بود و سالها در لبنان مبارزه کرد. نمونه دیگر شهید احمد متوسلیان فرمانده شجاع و قهرمان سپاه مریوان در سال های ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ بعد از کردستان رفت منطقه جنوب کشور و بعد رفت

در ارتفاعات تته ۱۲ متر برف بود. وقتی جاده راه تمیز می کردند توسط بولدوزر توی آن مسیر فکر میکردی داخل تونل برفی هستی در زمستان سخت بچه های غیور محمدآباد در ارتفاعات تته بودن (صادق ناصری، قربان جعفرآبادی، سراله حمزه ای، محمود حسن نژاد و ذاکر اباعبدالله مرحوم موسی رمضانپور) و وقتی رزمندگان از سنگر بیرون می آمدند فکر می کردی از معدن زغال سنگ بیرون آمدند لباس ها همه دود زده صورت ها همه سیاه واقعا شناخته نمی شدند. داخل سنگر آنها برای گرما یک چراغ علاالدین و یک فانوس برای روشنایی داشتند و این چراغها آنقدر دود میزد کل سنگر سیاه می شد. مهمترین نیاز رزمندگان در آن ارتفاعات نفت بود، نفت در پیت ها بیست لیتری حلبی پلم شده را با قاطرها تا سه راه شهدا که یک طرف میرفت اورمانات و یک طرف ارتفاعات تته در پاسگاه شهدا دپو میشد از اونجا تا تته چهار کیلومتر بود. رزمندگان به نوبت هر روز چند نفر جهت انتقال به سنگرهای محور تته به صورت ابتکاری با بند حمایل به صورت کوله در آورده و آنرا به پشت خود محکم مهار می کردند و حرکت می کردند هر چندموردی منجر به یخ زدگی اعضای بدن رزمنده می شد. و در زمانی برف و بوران بود رزمندگان مستقر در اون محور تا صبح نمی خوابیدند جلوی خروجی و ورودی سنگرها را تمیز میکردن (برف ها را کنار میزدن) که زیر برف نمانند، حتی سنگرهای تدارکات و مهمات زیر برف می ماند و ناپدید می شد. بعد از چند روز جستجو از برف پیدایش می کردن بولدوزرهایی که کار میکردند زیر برف میماندند بعد از چند مدت برف کمتر می شد، بیرون می آمدند. حتی انتقال



مجروحان در آن شرایط سخت بود و اکثراً به شهادت میرسیدند. و با شرایط جغرافیایی و هوایی که کردستان داشت نیروها در آنجا به گونه های مختلف و با مظلومیت به شهادت میرسیدند. این رزمنده دفاع مقدس درباره شهادت دو تن از شهدای روستای محمدآباد می گوید: نمونه اش دو شهید والا مقام و نوجوان محمدآباد شهید محمدباقر مازندرانی و محمد خورشیدکلایی هر دو دومین شهید خانواده در محور سروآباد در یکی از روستا های نگل، کردستان با توجه به شرایطی که داشت حضور گروهک های ضدانقلاب (گروهک دمکرات و کومله) جمهوری اسلامی مجبور بود داخل شهر و تمام روستاهای حتی دورترین نقطه کردستان باید پایگاه میزد و پایگاه داشتیم و همه پایگاه نیرو مستقر بود با شرایط اون منطقه بعضی پایگاه ها ۱۰ نفر بعضی بیشتر نیرو داشت. غفاری ادامه می دهد: شهید محمد خورشیدکلایی و محمد باقر مازندرانی وقتی آمدند مریوان قبل از تقسیم شدن با مسئول معاونت نیرو (تقسیم نیرو) صحبت کردم که پیش ما بمانند. با خودشان هم صحبت کردم خیلی اصرار کردم در همان شهر بمانند. قبول نکردند گفتن حتما باید برویم خط مقدم گفتن اینجا هم خط مقدم قبول نکردند، تقسیم شدن افتادند محور سروآباد در یکی از روستاهای نگل فاصله که با خط مرزی جنگ با عراق ۷۰ کیلومتر بود. غفاری درباره وضعیت پایگاههای کردستان می گوید: پایگاههایی که در روستاها زده می شد روی ارتفاعات مشرف بر روستا با میدان موانع و میدان مین و سنگرهای نگهبانی و استراحت و مهمات و تدارکات و بعضی پایگاه در داخل روستا داخل ساختمان مشرف بر روستا بود. روی پشت بام سنگرهای دیدبانی و نگهبانی زده می شد و استراحت شان داخل ساختمان بود. پایگاه شهید محمد و محمدباقر ساختمانی مشرف بر روستا بود. قبل از اینکه این اتفاق پیش بیاید محمد باقر آمد مریوان پیش ما چند شب ماند گفت اگر امکانش است ما جابجا بشیم بریم خط مرز همون ارتفاعات ملخ خور و تته جنگ با عراق و اونجا را هم تجربه کنیم. ما هم گفتیم چشم. پیگیر هستیم. رفت و یک شب بعد گروهک کومله به پایگاه آنها حمله کرد با چند آرپی چی که به ساختمان می زند بچه ها غافلگیر می شوند باقر و محمد نگهبان بودند. بالای ساختمان تا آخرین قطره خونشان جانانه جنگیدند و استقامت کردند با اینکه مجروح شده بودند جنگیدند ظاهراً مهمات شون تمام می شود و پایگاه سقوط میکند و بچه ها همه زخمی و شهید می شوند، ضدانقلاب به مجروحین هم رحم نکردند همه را تیر خلاصی زند به دهان محمد شلیک کرده بودند. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.



های مختلف جامعه، به تصویر کشیده شده است و صدایی هست از رویاهای تحقق پذیر و ناپذیر که یادآوری می کند، این صدا شایستگی دارد در عرصه ادبیات امروزی داستانی شنیده شود. مخاطب این صدا را از درون و نهفت زمان سپری شده و حال می شوند. شخصیت ها، نقش هایی دارند: پر امید و ناامید برای معنی دادن به شکلی از زندگی و خود جلوه های معاصرند و از متن و بطن اجتماع، نه انگار به طبقه ی خاصی وابسته اند، سعی بر این دارند با داشتن تخیل از هول زندگی و قید زمانه رهایی یابند و این کتاب لاجرم شرح جهان رویاهای هستی و سرگردانی ها با مواد و مصالح داستانی می باشد. در پیش درآمد کتاب، نامه نویسنده مشهور به سید حسین میر کاظمی چاپ شده و کتاب با قیمت ۱۴۵ هزار تومان در بساط کتابفروشی ها، قابل تهیه است. گفتنی می باشد، «تماشایی در من است» هفتمین اثر میر کاظمی در حوزه ادبیات داستانی ایران محسوب می شود. با این اشاره که طرح روی جلد کتاب به نام «ببار» اثر نویسنده کتاب است.

مجموعه ی داستان «تماشایی در من است» از سید حسین میر کاظمی در سی و ششمین نمایشگاه کتاب تهران دیده شد، این کتاب به عنوان تازه ترین اثر نویسنده رمان یورت توسط انتشارات عینک در (۱۴۰) صفحه انتشار یافته است. شانزده داستان در کتاب مجموع شده اند، قو، باران سر وقت می بارد، مامان، زن و گندم زار، متفاوت مثل عشق و ... ، در داستان خانم خانه بیمار است، میر کاظمی چنین نوشته: «... عاطفه ای هم بود که وادارش می کرد با ارتباط عشق مآبانه ای رفتاری کند. امروزه روز می گوید: بهترین فرصت برای صحبت بود. بالاخره باید از یک جا شروع می شد، پرستار خصوصی خانم لیبب. در هفته اول کاری ام که خلاصه اش شبانه روزی بود، خانم نمی توانست نامم را به خاطر آورد. در یکی از روزهای هفته تا خواست بگوید، آنی دچار تیش قلبی شد. سنگینی درد، سینه اش را فشرد. تنها راه نفس برای یک نام بود، زهره جان مرا صدا زده بود.» در مجموعه داستان «تماشایی در من است» حضور افرادی از طیف



آخرین اثر میرکاظمی در بساط کتابفروشی ها

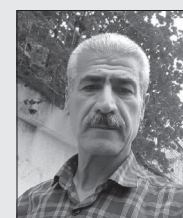


داخلی و خارجی، باید از ورودی مجموعه ی ورزشی آزادی گرگان تا درون سالن از استانداردهای بین المللی برخوردار باشند. فضای پیرامون سالن، پاکیزه و مجهز و دارای ساختارهای مشخص ورزشی باشد. درون سالن، از امکانات رفاهی و بهداشتی مناسب و درخور شان تماشاگران برخوردار باشد. سکوی سالن، مکانی امن و آرام برای تماشای بازی باشند. جایگاه تیم های مهمان و میزبان در کنار زمین، شکل زیبا و آبرومندانه طراحی شود. جایگاه مسئولین برگزارکننده ی بازی ها، مهمان های داخلی، خارجی و دست اندکاران باید تعریف شده و متناسب با نظر فیبا تعبیه شود. جایگاه خبرنگاران و مکان برپایی کنفرانس های خبری رسانه ها به درستی و با کیفیت رقم بخورد. اطاق های پذیرایی از داوران و برگزارکنندگان مسابقات آسیایی. جایگاه مناسب برای بانوان. رختکن های مناسب، با کیفیت و دارای امکانات بروز برای بازیکنان هر دو تیم و ده ها آیتم مهم دیگر که بتواند نظر مثبت برگزارکنندگان را جلب نماید. با برشمردن خلاصه امکانات موردنظر، گرگان باکدام امکانات می تواند میزبان مسابقات بسکتبال جام باشگاه های آسیا باشد؟ مسئولین بلندپایه ی استان و کشور اگر قصد میزبانی شایسته درگران را دارند و چنانچه درصدد نشان دادن لیاقت و شایستگی فرزندان ایران زمین به جهانیان هستید، تادیرنشد دست بکارشود. همین امروز که فردا

شروع خواهد شد. آیا در این بازه ی زمانی، شهرداری گرگان آمادگی میزبانی جام باشگاه های آسیا دارد؟ پرسشی که این روزها هواداران بسکتبال گرگان را سخت نگران کرده است و آن ها نمی دانند که چه اتفاقی خواهد افتاد. آیا مسئولین برای برگزاری جام باشگاه های آسیا در گرگان طرح و برنامه ای دارند؟ آیا تاکنون هیچگونه اقدامی عملی برای رسیدن به آن انجام داده اند؟ مسئولین محترم حتما می دانند که شرایط میزبانی از تیم های حاضر در جام باشگاه های آسیا متفاوت از بازی های داخلی و بسیار دشوار است. برگزارکنندگان بازی ها به آسانی به تیم ها اجازه ی میزبانی نمی دهند. چنانچه بستر کار به خوبی و متناسب با استانداردها فراهم نشود، غیرممکن است که چنین مجوزی صادرشود. به هیچ عنوان با تیمی تعارف ندارند و حیثیت حرفه ای خود را زیر سوال نمی برند. با این اوصاف آیا سالن سه هزار نفری گرگان با امکانات موجود توانایی پذیرایی از تیم های آسیایی را دارد؟ بدور از تعصب، کارشناسانه و دقیق به چهار سوی بیرونی و درونی سالن بنگریم. اگر ما جای تصمیم گیرندگان و برگزارکنندگان جام باشگاه های آسیا بودیم چه تصمیمی می گرفتیم؟ تایید یار؟ اگر واقع نگر باشیم و چشم ها را خوب بشویم، بایک نگاه و در کمترین زمان ممکن، سالن گرگان با وضعیت فعلی را برای برگزاری چنین جامی معتبر مناسب نخواهیم دانست. بدیهی است که برای برگزاری جام باشگاه های آسیا با حضور ستاره های



میزبانی گرگان با کدام امکانات؟



بهنام نیک پیام

دوهفته از چهارمین قهرمانی تیم بسکتبال شهرداری گرگان گذشت و چهارماه دیگر جام باشگاه های آسیا

ملخ مراکشی تهدیدی ۱۰۰ ساله برای کشاورزی گلستان

از جمله «بالکورا» «اسلمه دره»، «گینگ جای»، «چناران»، «شورجه»، «خوجه گللی»، «قربان پیکار»، «آق دغه» و «شارلی آجی سو» در مرز ترکمنستان، انجام شده و این روند تا پایان ماه ادامه خواهد داشت. محمد دایان ایمرعلی افزود: مبارزه شیمیایی در پنج هزار و ۶۱۰ هکتار از مراتع این شهرستان با موفقیت انجام شده و مناطق کلیدی مانند «چایلی دره»، «ایکه چنار» و «شارلی آجی سو» تحت کنترل قرار گرفته اند. نکته قابل توجه، نقش طبیعت در این مبارزه است. دسته های بزرگ پرند «سار گلو سرخ» دشمن طبیعی ملخ مراکشی، با تغذیه از این حشرات، به کاهش جمعیت آن ها کمک کرده و به عنوان عاملی موثر در کنترل بیولوژیکی این آفت عمل کرده اند. مدیر جهادکشاورزی گنبدکاووس، نیز از رذیابی آفت در ۷۹ هزار هکتار از مراتع شمالی این شهرستان خبر داد و گفت: با تخریب به موقع کانون های پوره ملخ، خطر این آفت به حداقل رسیده است. عبدالملک آرخي اظهار کرد: تاکنون در هزار و ۵۲۰ هکتار از مراتع گنبدکاووس، مبارزه شیمیایی انجام شده و این اقدامات ادامه دارد.



ملخ مراکشی، آفتی با قدمت ۱۰۰ ساله، بار دیگر در سال جاری به تهدیدی جدی برای کشاورزی و مراتع استان گلستان، به ویژه در مناطق شرقی و شمالی، تبدیل شده و با وجود تلاش های گسترده برای ردیابی و کنترل شیمیایی و بیولوژیکی، این حشره مزاحم، همچنان خسارات قابل توجهی به مراتع و مزارع این منطقه وارد می کند. به گزارش ایرنا، زیستگاه ملخ مراکشی در منطقه ای به وسعت ۱۲۰ کیلومتر طول و ۳۰ کیلومتر عرض، از آق قلا تا مراتع مرزی مراوه تپه، گسترش یافته و مزارع غلات و صیفی جات را به شدت تهدید می کند. از نیمه دوم فروردین ماه، عملیات ردیابی و مبارزه با کانون های پوره این آفت در دو شهرستان گنبدکاووس و مراوه تپه، به عنوان مراکز اصلی شیوع، آغاز شده و تاکنون در ۱۶۴ هزار هکتار از مراتع این مناطق اجرا شده است. همچنین، مبارزه شیمیایی با استفاده از سموم «مالاتیون» و «تلتامترین» در هفت هزار و ۱۲۰ هکتار از این مراتع انجام شده است. کارشناس حفظ نباتات جهادکشاورزی مراوه تپه اعلام کرد: عملیات ردیابی در ۸۵ هزار هکتار از مناطق آلوده،